

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش
۰۹ جون ۲۰۲۱

روز تجدید میثاق با مجید در روند نایستای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع

تاریخ مبارزات کشور ما تاریخ مبارزات طبقاتی، تاریخ نبرد علیه ارتجاع و استعمار، تجاوز و استبداد و نظام های وابسته مزدور منش پوسیده است. مبارزان و انقلابیون کشور ما همیشه برای نجات زحمتکشان از هر قید و بندی برای آزادی و شکوفائی مهین و سرزمین شان با سر و جان مبارزه کرده اند و به خاطر ترقی و رفاه و آرمان های متعالی خلق زحمتکش و تحت ستم کشور شان تا پای جان رزمیده اند.

"مجید" رهبر سازمان آزادیبخش مردم افغانستان که متعلق است به همه خلق های ستمدیده افغانستان، یکی از همین رادمردان و آزادگان وطن خود بوده است که بادانش و تفکر و اندیشه های پیشرو عصرخویش در طول حیات پربارش، در برابر استبداد، نابرابری ها، بی عدالتی ها، ارتجاع سلطنتی و جمهوری قلابی، متجاوزان سوسیال امپریالیست و باند های جلاد "خلق و پرچم" در میدان نبرد لحظه ای آرام ننشسته، تبعید، زندان، شکنجه اعدام و قربانی را که از جمله دشواری های ذاتی مبارزه محسوب می شود، در راه آرمان بهروزی ستمکشان از جان و دل پذیرفت. سرانجام "مجید" خون سرخش را به خاطر نجات توده های میلیونی، آزادی کشور و زحمتکشان مهینش از چنگال سوسیال امپریالیسم غدار و اشغالگر روسی و جلاخان و کرگسان "خلق و پرچم" در این راه اهداء کرده است. او برای رفاه زحمتکشان و مردم بی دفاع سرزمینش به پیشواز مرگ به خاطر آزادی وطن و خلق دربند میهنش شتافت تا این که آزادی و رفاه همگانی را به خلق ستمدیده و زحمتکشان هم میهنش به ارمغان بیاورد.

آری "مجید" رهبر زحمتکشان تا آخرین لحظه قبل از گرفتاری اش در نبرد و ستیز با متجاوزان روسی و قاتلان بومی خلق افغانستان ادامه داد و به تاریخ هجدهم جوزای ۱۳۵۹ شمسی توسط جلاخان "خلق و پرچم" به دستور سوسیال امپریالیسم جنایتکار روسی بعد از سه ماه شکنجه های وحشیانه، به جاودانگی پیوست.

با تجلیل از چهل و یکمین سالگرد جاودانه شدن "مجید" در اوضاع خونبار کشور اشغال شده ما، تمسک قوی به اندیشه، تعهد و میثاق به آرمان و انسلاک به سازمان و راه و رسم مبارزاتی "مجید" در راه تحقق آرمانش که همانا رفع ستم و استثمار از ستمکشان و بهره دهان است، از ما رهروان و همزمان و همسنگران باورمند سازمان "مجید" می طلبد تا بیشتر برای آرمان "مجید" با استفاده از چنین فرصت هائی در محور مبارزه بی امان علیه امپریالیسم جهان خوار و

پایدان بومی جنایتکارش بیشتر از هر زمان با تمام نیرو در همان خط مبارزاتی "مجید" برای بیرون راندن اشغالگران و جانپان تروریستی شان برای رفع ستم، استثمار، ارتجاع و امپریالیسم باید رزمید.

فهمیدن این مسأله همان طور که برای خلق ما، برای انقلابیون و آزادیخواهان کشور دریند ما حیاتی است؛ به همان پیمانه برای جمیع کسانی از دوستداران و راهپیان راه پرافتخار مجید که در راه تحقق آرمان او لااقل در ظاهر امر سنگ وفاداری به آرمان "مجید" را به سینه می زنند، دو چندان مهم است که راه رستگاری توده های ستمدیده و رفع ستم و استثمار چند لایه از دوش خلق، آن گونه که مجید و دیگر رهبران "ساما" می خواستند، نه از کانال انحلال طلبی، سپر انداختن، زدودن مرز میان خلق و دولت مزدور و سرپوش گذاشتن روی ماهیت ضد ملی، ضد دموکراتیک و طبقاتی دولت و نهاد های سرکوبگر آن به شمول اردوی پوشالی، پولیس و "امنیت ضد ملی" آن، و خلع سلاح توده های تحت ستم به نام "مجید"، بلکه از مسیری که "مجید" نشانی کرده و محکم گرفتن اندیشه، موازین و سه سلاحی که مجید عمری در راه تدارک و حدادی کردن آن رزمید و جاودانه شد، می گذرد. رفتن از راه سازش با دولت ضد ملی محصول تجاوز امپریالیستی و اشغال ۲۰ ساله به کشور ما و جدا کردن آن از امپریالیسم، به هر بهانه ای غیرمبارزاتی و سازشکارانه، راهی که "مجید" با گام های متینش رفت و "قیوم رهبر" آن راه را پیمود، نیست و نتیجه انتخاب راه سازشکارانه به رغم آموزه های ماندگار و آموزنده "مجید" و "رهبر"، جز سرافکندگی و محکومیت تاریخی در قبال ندارد.

خلق درد کشیده ما طی بیست سال حضور نظامی امپریالیسم و سلطه ارتجاع بومی جانی شان، شاهد جنایت های گسترده ضد بشریت و شدت جنگ های تجاوزی، نیابتی و تحمیلی توسط این نیرو ها بوده است. اشغالگران و رژیم پوشالی و مزدور ارگ نشینان مرکب از جانپان قرون وسطی به ریاست نامنهاد "غنی" مزدور کماکان تاریخ ننگین و دوران تیره هفت ثور را با کشت و کشتار و آتش زدن به خانه و کاشانه مردم ما موازی با ابلیس صفقان جهادی، طالبی، داعشی، خلقی و پرچمی تکرار و خون در بدن مردم بی گناه ما را خشکاندند. قطعاً زحمتکشان و تهی دستان این سرزمین از همه بیشتر این زخم ناسور را بر دوش می کشند. امپریالیسم خون آشام دریائی از خون مردم ما را به همدستی همین سگان هارش جاری ساخته و افغانستان را به تلی از خاک و ویرانه مبدل ساخته است. در حالی که هنوز هم کشور ما در اشغال نیرو های امپریالیسم است، استعمارگران به موازات اشغال کشور ما بیش تر از پیش جنگ قومی، نژادی، مذهبی، زبانی و سمتی را دامن می زنند تا عمر اسارت بار خود را در منطقه و افغانستان تداوم بخشند. خلق ستمکش و عذاب دیده ما از بازی ها و شیطنت های صلح و جنگ امپریالیسم امریکا و شرکای جرمش در طی دو دهه کاملاً آگاه بوده است و جنایات نابخشودنی اش را تا سپردن امپریالیسم به گورستان تاریخ با نبرد و ستیز بدرقه خواهد کرد.

دولت ضد ملی ساخته و پرداخته اشغالگران محصول تجاوز و اشغالگری امپریالیسم در کشور ما و بخشی از سیستم استعماری و در خدمت اهداف آن بوده و فاقد ذره ای اصالت و صبغه ملی می باشد. هر گونه ناروشنی در قبال این دولت، جدا کردن آن از آفریدگارش و یا زدودن مرز تمایز خلق با این اداره خیانت پیشه ضد ملی، به ویژه توسط به اصطلاح روشنفکرانی که مدعی وفاداری به ایده آل های بزرگ انقلابیون این خلق اند، در حکم خیانت تاریخی بوده و سرشکستگی و رسوائی تاریخی را در پی دارد.

در این روز ها که مزدوران و تروریستان طالبی به رهبری و هدایت امپریالیسم قلاده بردگی به گردن انداخته اند و سردمداران امپریالیسم روح شیطانی نابغه های جنایت پیشه (تره کی، امین، ببرک، نجیب، ربانی، مسعود، گلبدین، سیاف، مزاری، ملا عمر) و... را تازه کرده و سرنوشت خلق ما را کمافی السابق با خشونت شرارت طالبانی به امر و نهی آی اس آی و نظامیان پاکستان می خواهند به دست خون آشام ترین جلادان بسپارند. در خلال این بازی های گمراه

کننده، خروج سپاه اشغالگر با تصمیم سردمداران پنتاگون گویا پلان تجاوز کارانه امپریالیسم امریکا در افغانستان خاتمه یافته است؟! قطعاً باور کردنی نیست و برنامه توسعه طلبانه استعماری اش فراتر از خروج سپاه اشغالگرش خواهد بود، زیرا برنامه پیاده شدن نفوذ بالقوه شان به آسیای میانه را در سر پرورنده است، افغانستان چون پل عبوری و میدان تاخت و تاز امپریالیسم با تمام شیطنت های بی پایانش در قرن بیست یکم قرار داشته و خواهد داشت.

امپریالیسم می خواهد در پرده این پندار های واهی تضاد های درونی جامعه ما را با کشمکش های غول آسای خود با دیگر جهان خواران رقیبش شدت بخشد و مانع دستبرد شان در افغانستان و منطقه شده و جنگ نیابتی اش را در آن سوی مرز های افغانستان به راه اندازد. این یک حقیقت است. آری نقش اساسی جهان خواران در پیشبرد منافع آزمندانه شان، جنایات بی پایان در کشور مستعمره و اشغال شده ما را به دنبال خواهد داشت. چاکران تا دندان مسلح و سگان هار جلد خود را هر یک از کشور های امپریالیستی و ارتجاع منطقه در مسلخ نیرنگ های استعماری شان در افغانستان برای نسل کشی و سر زدن افغان ها با تجهیزات تسلیحاتی و امکانات استخباراتی بیشتری به میدان جنگ خواهند فرستاد. برنامه عقب نشینی و بیرون کشیدن سپاه متجاوز امپریالیست ها از افغانستان مثل برنامه صلح کاذب شان، بازی کثیفی بیش نیست.

از جانب دیگر تاریخ ملت ما که سرشار از حماسه ها و قهرمانی ها و نشیب و فراز هاست و در مقطع جاری در یکی از چنین نشیب ها قرار دارد، توده های میلیونی خلق اسیر پابرهنه و زخمی ما از کلیه نیرو های انقلابی می خواهند تا اندر این راه جانبازانه در جهت نیرومندی و انسجام بخشیدن کلیه نیرو های خودی و انقلابی آزادیبخش با همدگر پذیری و تقویت ظرفیت نیروی خودی با پیوند ناگسستنی با تمام نیروی های آزادیخواه و پیشرو بر محور مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی، در میدان نبرد "مرگ و زندگی" به یاری خلق و برای نجات ملک و ملت خود بشتابند. در این شرایط غم انگیز خونبار که امپریالیسم جنایت گستر طی بیست سال تمام با تحمیل یوغ اسارت و بردگی شیرازه حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور را فرو ریخته و از هم پاشانده است و مقدرات خلق بی دفاع و زحمتکش پابرهنه افغانستان را مجدداً می خواهد با نظامیان آی آس آی پاکستانی بسپارد و بازگشت طالبانی با جا به جایی باند های تروریستی، مافیای قدرت، اخوانی های آدمخوار از طالب تا داعش از مجاهد تا "خلفی - پرچمی" و دلال تکنوکراتی، خون های بیشتری را جاری سازد.

طوری که امپریالیسم امریکا و شرکاء پس از غلبه بر رقیب روسی در میدان جنگ افغانستان، در دهه هفتاد شمسی تنها خون هفتاد هزار کابلی بی گناه را در جنگ های بردگان تنظیمی اش ریختاند و خون در بدن خلق اسیر ما را به مقصد حضور نظامی و اشغال کشور ما خشکاند و میلیون های دیگر را زخمی، معلول، مهاجر و بی خانمان ساخت؛ به تکرار آن در آستانه یک جنگ داخلی تمام عیار و راه یافتن به آسیای میانه و کشور های منطقه دو باره خانه و مهین ما را می خواهد کاملاً به آتش کشد و به خاطر رسیدن به ثروت های منطقه به سرنوشت برخی از کشور های آسیای میانه به اشغال و تجاوزش ادامه داده و قطعاً دریائی از خون هموطنان ما را جاری سازد.

هوشدار:

نخست از همه روشنفکران آزادیخواه، فرهنگیان، زنان، ترقی خواهان، آزاد اندیشان، انقلابیون و پیشتازان عصر با دم تیغ این جلادان تکه پاره خواهند شد. طوری که سوسیال امپریالیسم روسی با جانیان مزدور "خلق و پرچم" یکسره ملت افغانستان را سر زدند و زنده به گور کردند، این جنایت ننگین را امپریالیسم امریکا - ناتو توسط مزدوران و شیدان اخوانی اش قطعاً به تکرار از خونخواری رقیب سلطه گرش در حق طیف های فوق مرتکب خواهند شد.

البته برای نجات، حفاظت از جان و مال و عزت خود و خلق اسیر مهین خود اراده قوی انقلابی لازم است. سامائی های راستین و متعهد به آرمان مجید سر و جان شان را مثل گذشته در این راه خواهند گذاشت. خلاف جریان رفتن را از زندگی و مرگ مجید، رزم و نام مجید فرا گرفته اند، خلاف جریان رفتن تمسک به اندیشه انقلابی مجید، آرمانخواهی، هدمندی و انگیزه قوی مبارزاتی می خواهد. ماهیان مرده بی اراده در مسیر جریان آب می روند، ولی تنها ماهیان زنده اند که خلاف جریان شنا می کنند. این نشانه زنده یا مرده بودن یک ارگانیزم، از جمله ارگانیزم سیاسی مثل سازمان و حزب انقلابی است. سامائی های انقلابی در خط "مجید - رهبر" این فرهنگ متعالی انقلابی را بار بار تجربه و در جریان افت و خیز ها آموخته اند. آری سازمان آزادیبخش مردم افغانستان با تاریخی ماندگار، با عزم متین و قدرت عظیم توسط مجید و بانیان چندی بنیان و اساس گذاشته شد. رهروان راهش با طرد مسخ شدگان، مردان، تسلیم طلبان و لیبرال های بزدل، سود جو و ثروت اندوز از صفوف سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"، راه شان را با تمام دشواری های ذاتی مبارزه تا پای جان ادامه داده و خواهند داد و آگاهانه فقط در راهی می روند که بزرگان و پیشتازان راه رفته اند. برای سامائی ها ایجاد و استحکام تشکیلات انقلابی به عنوان ابزار اساسی خلق تحت ستم در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع یک اصل و ارزشی غیر قابل معاوضه است. هیچ چیزی، هیچ راه و ابزار سازشکارانه، میان بر و اصلاح طلبانه و جایگزینی لیبرالیسم پراگماتیستی جای ابزار، اندیشه و فرهنگ انقلابی را نمی گیرد. فقط چنگ زدن به سازمانی که مجید ساخت، "ساما"، راه رستگاری و معیار صداقت و جدی بودن دوستداران "مجید" و "ساما" است. مبارزه و ابزار مبارزه در داخل افغانستان اشغالی و تحت ستم موجود است و کسانی که می خواهند از مبارزه ملی - انقلابی موجود در داخل کشور (با هر کمیت و کیفیت) هواداری کنند، باید به جای تلاش برای نفی ابزار انقلابی "مجید" و حاصل یک عمر مبارزه اش، سپر انداختن، انحلال طلبی، ایدئولوژی زدائی لیبرالی و خلع سلاح فکری، سیاسی و تشکیلاتی خلق و انقلابیون افغانستان، با کمک مادی و معنوی به مبارزه داخل، نقش شایسته خود را از پشت جبهه با شرافت اداء نمایند. فقط با این شرط است که هواداری از جنبش انقلابی مردم افغانستان موضوعیت می یابد، نه در تقابل با اندیشه، راه، سازمان و آرمان انقلابی و آزادیخواهانه "مجید" و مجیدیان.

همرزمان اصولی، آگاه و مصمم! بیائید تا در راه تحقق آرمان رهبر گرامی ما "مجید" و سائر رهبران انقلابی خویش و آزادی کشور و رفاه خلق زحمتکش و محروم، صفوف خویش را مستحکم ساخته و در پرتو اندیشه مترقی و زنجیرگسل مصممانه و با عزم متین در راه نبرد علیه امپریالیسم جنایت گستر و حاکمیت طبقاتی ارتجاع همدستش به طور جمعی گام گذاریم.

زنده و جاوید باد راه و رسم مبارزاتی "مجید"!

مستدام باد تعهد رهروان راستین راه به آرمان "مجید"!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!